

۱۳

مطابق پیش‌بینی «فرهیختگان» ساخته‌نرگس آبیار جوایز جشنواره‌رادرو کرد

جلوه‌های بصری

جواد مطوری برای فیلم «مسخره‌باز»

محسن خیرآبادی، رضا میثاقی و شهاب نجفی برای فیلم «غلامرضا تختی»
هادی اسلامی و امیر سرحخیز برای فیلم «۲۳ نفر»
جواد مطوری برای فیلم «سرخ‌پوست»
سینا قویدل برای فیلم «ماجرای نیمروز۲؛رد خون»

جلوه‌های ویژه میدانی

ایمان کریمیان برای فیلم «ماجرای نیمروز۲؛رد خون»

محسن روزبهانی برای فیلم «۲۳ نفر»
ایمان کریمیان برای فیلم «سقفونی‌نهم»
آرش آقاچیک برای فیلم «شبی که ماه کامل شد»
ارشا قادسی برای فیلم «قسم»

چهره‌پردازی

ایمان امیدواری برای فیلم «شبی که ماه کامل شد»

مجید اسکندری برای فیلم «سقفونی‌نهم»
شهرام خلیج برای فیلم «ماجرای نیمروز۲؛رد خون»
سعید ملکان برای فیلم «غلامرضا تختی»
ایمان امیدواری برای فیلم «مسخره‌باز»
عباس عباسی برای فیلم «۲۳ نفر»

طراحی لباس

حمیدرضا شجاعی برای فیلم «شبی که ماه کامل شد»
مشکین مهرگان برای فیلم «سقفونی‌نهم»
محمدرضا شجاعی برای فیلم «ماجرای نیمروز۲؛رد خون»
امیر ملک‌پور برای فیلم «غلامرضا تختی»
الهام معینی برای فیلم «مسخره‌باز»

طراحی صحنه

کیوان مقدم برای فیلم «غلامرضا تختی»

سپهل دانش برای فیلم «مسخره‌باز»

عکس سیمرغ روی ماه کامل شد

جشنواره سی‌وهفتم فیلم فجر در حالی به‌ایستگاه پایانی رسیده که فاصله بین فیلم‌های خوب جشنواره با آثار ضعیف، بسیار زیاد بود. «شبی که ماه کامل شد»با ۱۳نامزدی، بر صدر نامزدهای جشنواره امسال نشست. «ماجرای نیمروز۲؛رد خون»با ۱۱ رشته و دو فیلم «غلامرضا تختی» و

تدوین

بهرام دهقانی برای فیلم «متری شیش‌ونیم»

محمدرضا معینی برای فیلم «سقفونی‌نهم»
خشایار مهدویان برای فیلم «قسم»

محمد نجاریان برای فیلم «ماجرای نیمروز۲؛رد خون»
میثم مولایی برای فیلم «غلامرضا تختی»

صدابردار

ابرج شهرزادی برای فیلم «متری شیش‌ونیم»

سیح سراج برای فیلم «پالتوی شتری»

بهمن اردلان برای فیلم «۲۳ نفر»

منصور شهبازی برای فیلم «طلا»

مهدی ابراهیم‌زاده برای فیلم «قسم»

صدآگذاری

مهرداد ملکوتی برای فیلم «ماجرای نیمروز۲؛رد خون»

امیرحسین قاسمی برای فیلم «متری شیش‌ونیم»

حسین ابوالصدق برای فیلم «سقفونی‌نهم»

امیرحسین قاسمی برای فیلم «غلامرضا تختی»

آرش قاسمی برای فیلم «شبی که ماه کامل شد»

موسیقی متن

امین هنرمند برای فیلم «قصر شیرین»

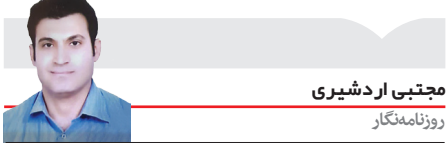
پیمان یزدانیان برای فیلم «متری شیش‌ونیم» و «بنفشه آفریقایی»
افشین عزیزی برای فیلم «غلامرضا تختی»

مسعود سخاوت‌دوست برای فیلم «شبی که ماه کامل شد»

کریستوف رضاغی برای فیلم «ناگهان درخت» و «سال دوم دانشکده من»

گزارش «فرهیختگان» از ژانرهای غالب جشنواره فیلم فجر

درام‌هایی متکثر با چاشنی خشونت



مجتبی اردشیری

روزنامه‌نگار

جشنواره سی‌وهفتم فیلم فجر در کنار تمامی معایب و مزایایی که در مسیر اعتلای سینمای ملی داشت، با تنوع گونه‌های خود، یکی از کم‌نظیرترین دوره‌های خود را طی یک دهه اخیر تجربه کرد. مهم‌ترین بخش این دستاورد، بیرون آمدن دوربین از آپارتمان‌ها و فضای بسته و پرداختن به سوزه‌های خارجی و بیرونی بود که این مهم با توجه به وابستگی عجیب درام‌های ایرانی به چارچوب خانه و آپارتمان طی سالیان اخیر، امتیازی مهم برای سینمای داستان‌گوی ایران محسوب می‌شود.

به عبارتی اگر بخواهیم خیلی واضح به این مورد بپردازیم باید بگوییم که به جز دو فیلم «تیغ و ترمه» و «جمشیدیه» در بخش سودای سیمرغ، دیگر فیلمی را نمی‌یابیم که در فضای محصور آپارتمان روایت شود، گرچه این دو فیلم نیز با اغماض در این فهرست گنجانده شده‌اند اما وابستگی هسته مرکزی داستان در این دو فیلم در ایسن فضاهای محصور خلاصه می‌شود.

تکثر پسوند برای درام‌های...

بدنه سینمای ملی ما، درام است به گونه‌ای که وقتی در ژانر محبوبی چون وحشت، دستب به خلق اثر می‌زنیم، نخست پایه‌های دراماتیکن آن را قدرت می‌بخشیم که این مهم البته بسته به بافت جمعیتی و اعتقادی مردم سرزمین مان، امری محتوم تصور شده و باور اینکه فیلمی بدون چارچوب درام بتواند در گونه‌ای، شکلی روایی پیدا کند، امری محال به نظر می‌رسد. با این حال اما در این دوره از جشنواره، درام‌های بسیاری داشتیم که در گونه‌های مختلف روایت شدن.

در درام عاشقانه، «آشفته‌گی»، «سال دوم دانشکده من»، «شبی که ماه کامل شد» و «ناگهان درخت» را داریم که این فیلم‌ها با توجه به اینکه عاشقانه‌هایی صرف نیستند، در چارچوب اثر به یک علاقه‌مندی گاهی غیرمستقیمی می‌رسند که عاشقانه تعبیر می‌شود. حتی در فیلمی مانند «ناگهان درخت» که شکل مستقیمی از عشق نمی‌بینیم و حتی در بخش‌هایی به نقد عشق و جریانات مرسوم رمانتیک می‌پردازد اما در لفافه مخاطب با یک اثر عاشقانه مواجه است.

در حوزه مقاومت و اعتقادی نیز جشنواره امسال سه فیلم «۲۳ نفر»، «خون خدا» و «ماجرای نیمروز ۲؛رد خون» را داشت که برخلاف شباهتهای دوره‌های گذشته که احساس می‌شد فیلم‌های این حوزه به سفارش و تایید مقامات دیگر در فهرست مسابقه گنجانده شده‌اند، تمام متکی بر تکنیک‌های فرمیک خود در این رویداد حضور داشتند به طوری که دو فیلم از این سه فیلم تا روزهای پایانی جشنواره در فهرست آرای برتر مردمی قرار داشتند و «خون خدا» هم که در این فهرست نبود، توانست رضایت نسبی منتقدان را به دست آورد.

در این دوره، سه درام جاده‌ای نیز در بخش سودای سیمرغ حضور داشتند: «سقفونی‌نهم»، «قصر شیرین» و «قسم» که هر

فرهنگ

عکس سیمرغ روی ماه کامل شد

«متری شیش‌ونیم» با ۱۰ رشته نامزدی، در رده‌های بعدی قرار گرفتند. **چهار فیلم «ایده اصلی»، «تیغ و ترمه»، «جمشیدیه» و «مردی بدون سایه»، در هیج رشته‌ای نامزد نشدند.** شب گذشته در مراسم اختتامیه جشنواره فیلم فجر، برگزیدگان بخش های مختلف هنری معرفی شدند.

تدوین

ژیلآ شاهی برای فیلم «قصر شیرین»

نیوشا علیپور برای فیلم «قصر شیرین»

پانته آ پناهی ها برای فیلم «درخونگاه»

بازیگر نقش اول مرد

هوئن شکیبیا برای فیلم «شبی که ماه کامل شد»

حامد بهداد برای فیلم «قصر شیرین»

امین حیایی برای فیلم «درخونگاه»

پیمان معادی برای فیلم «متری شیش‌ونیم»

نوید محمدزاده برای فیلم «سرخ‌پوست»

بازیگر نقش اول زن

الناز شاگردوست برای فیلم «شبی که ماه کامل شد»

مهناز افشار برای فیلم «قسم»

ژاله صامتی برای فیلم «درخونگاه»

بهنوش طباطبایی برای فیلم «ماجرای نیمروز۲؛رد خون»

فاطمه معتمدآریا برای فیلم «بنفشه آفریقایی»

فیلمنامه

محسن قرائی و محمد داودی برای فیلم «قصر شیرین»

محسن تنابنده برای فیلم «قسم»

نیما جاویدی برای فیلم «سرخ‌پوست»

پرویز شهبازی برای فیلم «طلا»

نرگس آبیار ومرتضی اصفهانی برای فیلم «شبی که‌ماه کامل شد»

کارگردانی

نرگس آبیار برای فیلم «شبی که ماه کامل شد»



مختلف، تنها محوریت داستانی خود را ادامه داده و آن خط داستانی را پرورش دهند. ۱۰ فیلم جشنواره امسال چنین رویکردی داشتند: «ایده اصلی»، «پالتو شتری»، «درخونگاه»، «غلامرضا تختی» «سرخ‌پوست»، «سقفونی‌نهم»، «شبی که ماه کامل شد»، «طلا»، «مردی بدون سایه» و «ناگهان درخت». اینکه آیا درام‌های ساده جشنواره امسال توانسته‌اند نظر مخاطبان و منتقدان را به خود جلب کنند، استعاره‌ای است که باید از نقطه‌نظر سلیقه هر فرد به آن پاسخ داده شود و نمی‌توان حکمی کلی در رد یا قبول درام‌های ساده صادر کرد.

موارد فرعی دیگر

همان‌گونه که اشاره شد، درام‌های شلوغ با داستان‌های موزای، یکی از علاقه‌مندی‌های کارگردانان امروز ماست به‌خصوص اینکه به جز پنج فیلمساز قدیمی، ساختار کلی فیلمسازان این دوره از جشنواره را فیلمسازان جوان زیر ۴۰ سال تشکیل می‌داد. به‌خصوص آنکه فیلمسازان «جان‌دار» که در بخش نگاه نو حضور داشت را متولدین دهه ۷۰ تشکیل می‌دادند. طبیعتا نسل جدید پیرو این خطوط داستانی، علاقه‌مندی ویژه‌ای به لوکیشن‌های متعدد داستانی دارند اما خیلی جالب است که بدانید سه فیلم سودای سیمرغ جشنواره امسال در لوکیشنی محدود روایت شدند: «مسخره‌باز»، «قسم» و «سرخ‌پوست». خیلی جالب است بدانیم خلاقیت به خرج داده شده در عناصر روایی و بصری این سه فیلم به اندازه‌ای است که هم منتقدان زبان به تحسین این سه فیلم باز کرده‌اند هم اینکه فیلم‌ها در سینماهای مردمی به چندین بار سانس فوق‌العاده کنفیده شده و گویا رضایت خاطر مخاطبان عام سینما نیز به این آثار جلب شده است.

همچنین تصور می‌شود نسل جدید فیلمساز برای نشانه گرفتن ایده‌های زندگی‌های جدید، تم روایت خود را در عصر و فضای پرچالش کنونی خلاصه می‌کنند حال آنکه باید بدانیم در جشنواره امسال، چهار فیلم در دهه‌های قبلی روایت می‌شوند: «سرخ‌پوست» و «غلامرضا تختی» در سال‌های پیش از انقلاب (دهه ۴۰) و «۲۳ نفر» و «درخونگاه» هم به ترتیب در دهه‌های ۶۰ و ۷۰.

تداوم نگرانی از بابت فقر ژانر

همان‌گونه که مشاهده شد، تقریبا تمام فیلم‌های بخش مسابقه و البته نگاه نو جشنواره امسال را درام‌های مختلف تشکیل

می‌پیماید. در فیلم‌های دیگر، کاراکترهای اصلی یا به دنبال فرار از این رخداد هستند یا به دنبال عادی سازی روحیات خود، به دنبال مسیره‌ای غیرقانونی و البته غیراخلاقی در مواجهه با قتل می‌گردند که این حجم از فرار در برابر قتل، تاکنون در یک دهه اخیر جشنواره فجر سابقه داشته است.

تاکیدهای هدف‌دار!

در جشنواره سهه یا چهار دوره قبل بود که خبری در خروجی رسانه‌ها منتشر شد مبنی بر محدودیت‌هایی که دست‌اندرکاران بزرگ‌ترین رویداد سینمایی کشور در برابر ساکنس‌هایی که عمل سیگار کشیدن را نشان می‌دادند، قائل شده‌اند. اتفاقی که خیلی زود در محافل مختلف پیچید و علت آن، تعدد ساکنس‌ها و فیلم‌هایی بود که به وضوح عملی مانند سیگار کشیدن را به تصویر می‌کشیدند. این اتفاق، نقل محافل آن دوره از جشنواره بود. حالا که به این بهانه می‌نگریم، چندان نمی‌توانیم حقانیت آن را بپذیریم اما در جشنواره امسال، پدیده‌هایی وجود داشت که به مانند سیگار کشیدن آن دوره، در چندین فیلم اشاعه یافته و گویی تصور می‌کردیم با یک مهندسی عجیب در طراحی این صحنه‌ها آن هم در چندین فیلم مواجه هستیم.

از سیگار کشیدن خانم‌ها گرفته تا خوانندگی آنها و البته در چندین فیلم صحنه حرکات موزون که به وضوح نمایش داده می‌شود. پوشش روسری یا هر چیزی برای پوشاندن موی سر بازیگران زن نیز در چندین فیلم دستخوش تغییر شده بود تا احتمالاً زمینه برای تمهیب بیشتر فیلمسازان و البته ورود به خطوط قرمز، کمی عادی تر شود. ضمن اینکه همان مقوله سیگار کشیدن بازیگران مرد نیز در این دوره، تقریبا در تمامی فیلم‌ها وجود داشت و صداالبته که تا وقتی که مواردی جدید از رونمایی از کاراکترهای خانم وجود دارد، قطعاً سیگار کشیدن آقایان نمی‌تواند محلی برای مناقشه باشد.

این قبیل تصاویر و صحنه‌ها، چیزیایی نیستند که در فیلمنامه وجود داشته باشند و در اجرا به آن رسیده می‌شود. حال آنکه سینما هم نمی‌تواند مانند تولیدات تلویزیونی برای کارهای خود ناظر کیفی داشته‌و این قبیل موارد را از طریق وی سر صحنه رفغ و رجوع کند. بنابراین چون فیلم‌ها در نمایش جشنواره‌ای خود، کمترین ممیزی را داشته و بعدا برای اکران عمومی، دستخوش سانسور شده و همین، زمینه‌ها را برای بایکوت چند ساله یک اثر آسانس می‌کند، باید با این حرکت خزنده، به گونه‌ای رفتار شود که نه هزینه‌ای برای وزارت ارشاد و شورای پروانه نمایش به بار آورد و نه فیلمسازان ما دست به خودسانسوری زده یا اعتماد خود را به نهاد‌های قانون‌گذار سینما از دست دهند.

درام‌های صرف

با توجه به علاقه‌مندی سینماگران مسا به پیش‌های روایی درام و البته اشتیاق آنها برای به نمایش گذاشتن روابط پیچیده و چندبعدی، عموم آثار در یکی از پسندهای درام خلاصه می‌شوند. با این حال کم نبودند فیلم‌هایی که روایات خطی را برای داستان خود انتخاب کرده بودند و ترجیح دادند بدون هیچ حشو و داستان‌های موزای یا داستاکن‌هایی در مدیوم